



دانشگاه فنی و حرفه ای

آموزشکده فنی و حرفه ای دختران ملایر (کوثر)

توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

رشته حسابداری

محمد جوکار

فصل اول

رشد و توسعه اقتصادی

پس از جنگ جهانی سوم شاخهای مجزا از علم اقتصاد به وجود آمد که تحت عنوان اقتصاد توسعه مطرح گردید و به خاطر اهمیت آن به صورت گسترده و فراگیر ته به امروز مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه جدید در این زمینه به صورت تخصصی از زمان آدام اسمیت شروع و به مارکس و کینز و اقتصاد دانان معاصر منتهی می شود .

پس از جنگ جهانی دوم :

۱. از یک سو کشورهای درگیر جنگ که با ویرانیها و نا بسامانیهای اقتصادی و سیاسی در گیر بودند.
 ۲. از سوی دیگر کشورهای مستعمره که با پیدایش نهضت‌های استقلال طلب به استقلال رسیده بودند.
- هر دو گروه از کشورها دنبال راهکارهای توسعه و پیشرفت را به همین جهت توسعه اقتصادی پیش از پیش مورد اهمیت قرار گرفت و کشورهای عقب مانده راهکارهای کشورهای پیشرفته را انتخاب کردند که بسیاری از این الگوها و راهکارها با شکست مواجه شد .

در این مورد میردال می گوید:

"در کشورهای توسعه نیافته نباید تئوریهای به ارث رسیده از ما را به صورت پیش فرض قبول کنند بلکه آنها را بایستی بازشناسی کرده و با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی خود در راستای منافع و منطبق با مشکلاتشان بکار گیرند."

اهمیت توسعه اقتصادی:

امروزه ۷۰٪ مردم جهان دچار عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هستند . بیش از ۵۰٪ مردم جهان زیر خط فقر به سر می برند.

تعریف و مفهوم رشد و توسعه: رشد و توسعه در اغلب موارد به صورت مترادف به کار گرفته می شود ولی

این دو واژه علیرغم شباهت ظاهری مفاهیم جداگانه ای دارند.

رشد: رشد در لغت به معنی بزرگ شدن است و دارای مفهوم کمی رشد جمعیت

تعریف رشد اقتصادی: رشد اقتصادی عبارت است از افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور در یک دوره

زمانی معین

توسعه اقتصادی: توسعه در لغت به معنای گسترش و بهبود است .

از سوی اقتصاد دانان مختلف برای توسعه اقتصادی تعاریف گوناگونی ارائه شده در ادامه به چند مورد اشاره

می کنیم:

در بسیاری از متون اقتصادی توسعه اقتصادی را رشد مدام و مستمر تولید ناخالص یک کشور تعریف می کند.

"جرالد می یر" معتقد است که توسعه اقتصادی یعنی فرایندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه یک

کشور در دورانی طولیل المدت افزایش یابد.

بلاک توسعه اقتصادی را چنین مطرح می کند:

"دستیابی به تعدادی از هدفهای نمایان مطلوب و نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری های

اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و مهارتهای جدید ، بهبود در وضع نهادها و یا به طور منطقی دستیابی به

یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاستهای مختلف که بتواند انبوه شرایط نا مطلوب یک نظام اجتماعی را بر

طرف سازد."

تعریف بعدی از گونار میردال است که معتقد است :

"توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به سمت جلو و همچنین به عقیده

وی در توسعه نه تنها روش تولید و توزیع محصولات و حجم تولید مد نظر است بلکه تغییرات سطح زندگی

نهادهای اجتماعی سیاستها نیز مورد توجه است."

اما کیندل برگر در تعریفی جداگانه رشد و توسعه اقتصادی را به صورت زیر بیان می کند :

"رشد اقتصادی به معنی تولید محصول بیشتر است."

"توسعه اقتصادی هم تولید بیشتر و هم پدید آوردن تحول در چگونگی تولید محصول"

تعریف فرید من از رشد و توسعه اقتصادی :

"رشد عبارت است از گسترش سیستم در جهت مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن "

"توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی "

با توجه به تعریفهای ارائه شده میتوان یک تعریف کلی از توسعه اقتصادی بیان کرد :

توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش مدام ظرفیت تولید یک جامعه بر اساس تکنولوژی درون زا و پیشرونده پی ریزی شده است.

معیارهای اندازه گیری توسعه

دو معیار اندازه گیری رشد و توسعه عبارت است از :

الف. تولید ناخالص ملی (GNP) (ارزش کلی تولیدات یک کشور در یک دوره معین)

افزایش تولید ناخالص ملی و در آمد ملی را یکی از معیارهای اندازه گیری توسعه اقتصادی است .

معایب این معیار:

۱. اثر رشد جمعیت را نادیده می گیرد
۲. اثر رشد قیمتتها محسوب نمی شود
۳. روش توزیع درآمد مهم نمی باشد
۴. هزینه های جانبی که تولید ناخالص دارد حساب نمی شود
۵. اطلاعات و آمار برای محاسبه تولید ناخالص ملی دقیق نیست

ب. در آمد واقعی سرانه (تولید واقعی سرانه)

$$\text{درآمد واقعی سرانه} = \frac{\text{درآمد واقعی}}{\text{جمعیت}}$$

معایب :

به غیر از دو عیب ۱ و ۲ که فقط در معایب تولید ناخالص ملی آمده است و بقیه موارد هر دو مشترک هستند.

تولید ملی یا درآمد ملی از سطح قیمتها به دو صورت محاسبه می شود :

۱- تولید ملی به قیمتهای جاری یا تولید ملی اسمی

۲- تولید ملی به قیمتهای ثابت یا تولید ملی واقعی

تولید ملی به قیمتهای جاری یا اسمی ارزش تولیدات یک جامعه را در یک دوره معین به قیمتهای همان دوره

اندازه گیری می کند

در تولید ملی اسمی دو عامل دخیل است :

۱- تولیدات

۲- سطح عمومی قیمتها

افزایش قیمتها تولید ملی اسمی را افزایش میدهد. ولی تولید ملی واقعی متغیر قیمتها را تبدیل می کند و

افزایش قیمتها تاثیری روی واقعی ندارد .

ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP) از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمتهای محلی کشورها محاسبه می گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمتهای جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد .

ج. شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI) کوشش برای غلبه بر نارساییهای شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینههای زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حسابهای ملی منظور

گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می آید .

د. شاخص های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می توان به شاخص ترکیبی موزونی که مک گراناها (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیر شاخص) محاسبه می نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).

و. شاخص توسعه انسانی: (HDI) این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که بر اساس این شاخص ها محاسبه می گردد: درآمد سرانه واقعی (بر اساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال های به مدرسه رفتن افراد است).

ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی

- ۱- تدریجی بودن: توسعه اقتصادی امری بلند مدت و تدریجی است
- ۲- خودگردانی و استمرار : داشتن یک نظم منسجم و قوی با برنامه و هماهنگی موجب می شود که ساختار اقتصادی در مقابل شوک و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی مقابله و ایستادگی کند و تدابیر لازم را برای هر گونه بحران اجتماعی در آینده انجام دهد.
- ۳- خود اتکایی: عدم وابستگی به عوامل تولید کالاهای استراتژیک خود اتکایی نامند.
- ۴- خود کفایی: تولید کالاهای استراتژیک در سطح نیاز جامعه را خود کفایی گویند.

رشد مدرن اقتصادی کوزنتس

رشد مدرن اقتصادی توسط سیمون کوزنتس که در سال ۱۹۷۱ برنده نوبل اقتصادی گردید مطرح شد

تعریف رشد مدرن اقتصادی

تعریف اولیه: افزایش مدام درآمد سرانه یا تولید سرانه گارگر که غالبا" با افزایش در جمعیت و تغییر ساختاری گسترده همراه است .

این تغییرات ساختاری در حوزه های زیر قابل بررسی است:

- ۱- صنعتی شدن $\Leftarrow$ تولیدات کشاورزی $\Leftarrow$ تولیدات غیر کشاورزی تبدیل شود
- ۲- شهری شدن $\Leftarrow$ افراد از روستا $\Leftarrow$ به شهر رو می آورند
- ۳- وضع درآمدی افراد $\Leftarrow$ متاثر از صنعتی شدن و شهر نشینی است
- ۴- توزیع محصول $\Leftarrow$ بین مصرف ، سرمایه گذاری و هزینه های دولت
- ۵- گسترش روابط بین المللی

تعریف جدید کوزنتس

رشد مدرن اقتصادی عبارت است از افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کالاهای هرچه متنوع تر به مردم این رشد ظرفیت بر مبنای تکنولوژی پیشرونده و تعدیلات نهادی و ایدئولوژیکی مقتضی بر جنین تکنولوژی استوار است

بطور خلاصه ، کوزنتس از یک طرف بر افزایش تولید تکیه دارد و از طرف دیگر تولیدی را مهم تلقی می کند که ناشی از پیشرفت تکنولوژی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی باشد.

بحث کوزنتس در یک دوران تاریخی انجام می شود

مفروضات کوزنتس برای استخراج نتایج بر مبنای موارد زیر بود :

- ۱- تعریف و تمایز عصرهای تاریخی
- ۲- محدودیت در مشاهدات رویدادهای هر دوره تاریخی
- ۳- منبع گسترده ای از محرکهای رشد تاریخی است
- ۴- برخی از نوع آوری ها نیاز به ابداعات تکمیل کننده دارند
- ۵- هر گونه نوع آوری با تغییرات آن دوران مرتبط است
- ۶- هر عصر تاریخی متاثر از آموزش و تغییر در بلند مدت است

۷- ابداعات هر دوران فرصت هایی را برای واحدهای اجتماعی دیگر فراهم می کند

نوع آوری های تاریخی و دوران نوین

تعریف عصر تاریخی اقتصاد نوین :

عصر تاریخی اقتصاد نوین کاربرد گسترده برای حل مشکلات تولید اقتصادی است

بنابر این ، این دوره را می توان دوران علمی یا عصر تاریخی علمی نامگذاری کرد

همزمان با رشد و تحول تکنولوژی در جامعه سه تحول اجتماعی نیز رشد کرد

۱- دنیا گرایی (دنیا طلبی)

۲- مکتب مساوات بشر (عدم نژادپرستی)

۳- ناسیونالیزم (وطن پرستی)

دو نکته در بحث نوآوری مدرن اقتصادی وجود دارد عبارتند از :

۱- رشد اقتصادی در برخی موارد در دوران حاضر بر اساس تکنولوژی متکی به علوم نمی باشد بلکه

مدیون روندی آرام توام با روش ازمون و خطا است

۲- چون در اواسط عصر حاضر هستیم نمیتوان اشکالات عصر نوین اقتصادی را به صورت کامل بیان

کرد.

مشکلات تعریف و اندازه گیری

۱- واحدی که در آن رشد اقتصادی باید مطالعه شود از نظر کوزنتس واحدی است که با خصوصیات ملی

مشخص شده باشد

۲- افزایش در جهت تولید سرانه به نظر کوزنتس جزو ویژگی اصلی رشد مدرن اقتصادی است

۳- مفهوم و معنای تولید یا محصول

۴- ویژگی های رشد پایدار از نظر کوزنتس مربوط به مدت خاصی از تاریخ نمی شود

کشورهایی که در رشد مدرن اقتصادی کنار گذاشته شدند

- ۱- کشورهای بسیار کوچک زیر یک میلیون نفر
- ۲- کشورهایی که دارای منابع طبیعی استثنایی مانند نفت هستند
- ۳- کشورهای کمونیستی

ویژگی های رشد مدرن اقتصادی

- ۱- افزایش ذاتی و طبیعی در نرخ رشد جمعیت حدود ۱۰٪
- ۲- در هر تولید سرانه با نرخ بالایی افزایش می یابد
- ۳- تحت تاثیر قرار گرفتن کلیه بخشها از تغییرات تکنولوژی و سازمانی
- ۴- تحولات ساختاری در بخشهای گوناگون در قالب کاهش سهم کشاورزی و افزایش سهم صنعت و افزایش سهم بعضی از خدمات مانند: شخصی - حرفه ای - دولتی و کاهش سهم خدمات خانگی صورت می گرفت
- ۵- مهمترین عامل تغییرات در تولید و غیره تغییر تکنولوژی است .

نکات کلیدی فصل اول

✓ اقتصاد توسعه ← بعد از جنگ جهانی دوم ← به صورت مجزا مطرح شد.

✓ علت اهمیت یافتن مقوله توسعه پس از جنگ جهانی دوم :

۱- رفع ویرانیها و نابسامانی های جنگ

۲- رفع آثار استعمار از کشورهای به استقلال رسیده

✓ گوناومیردال ← توصیه به کشورهای توسعه نیافته ← عدم تقلید از الگوهای کشورهای توسعه یافته

✓ علت اصلی عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه

۱- عوامل داخلی

۲- نابرابری بین المللی

✓ بیش از ۷۰٪ مردم جهان توسعه نیافته ← بیش از ۵۰٪ زیر خط فقر

✓ از نظر جرالدمی یر توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله ای برای از بین بردن فقر مزمن است

✓ رشد یعنی بزرگ شدن ← توسعه یعنی گسترش و بهبود

✓ رشد اقتصادی : افزایش تولید ناخالص ملی در یک دوره

✓ توسعه اقتصادی افزایش تولید و ظرفیت تولید بر اساس پیشرفت درون زا

✓ معیارهای اندازه گیری توسعه :

۱- تولید ناخالص ملی (GNP)

۲- درآمد واقعی سرانه

✓ ویژگیهای مهم توسعه :

۱- تدریجی بودن ↔ ۲- خود گردانی واستمرار ↔ ۳- خود اتکایی ↔ ۴- خودکفایی

✓ رشد مدرن اقتصادی ← کوزنتس ← ۱۹۷۱ جایزه نوبل

✓ سه ابداع تکنولوژیکی مهم که انقلاب صنعتی را یاری کرد

۱- حوزه منسوجات نخی

۲- آهن

۳- ماشین بخار

✓: سه زمینه تغییر در فرایند رشد مدرن اقتصادی:

۱- دنیا گرایی

۲- مکاتب مساوات بشر

۳- ناسیونالیسم

✓: کشورهایی که در مطالعات کوزنتس نیامده است :

۱- کشورهای بسیار کوچک

۲- کشورهایی که منابع طبیعی استثنایی دارند

۳- کشورهای کمونیستی

سوالات فصل اول

- ۱- اقتصاد توسعه از کدام زمان به صورت جداگانه و مجزا مورد مطالعه قرار گرفت ؟
- ۲- مطالعه اقتصاد توسعه به صورت جدید و امروزی را چه کسی شروع کرد ؟
- ۳- دلیل اصلی اهمیت اقتصاد توسعه پس از جنگ جهانی دوم چه بود ؟
- ۴- گونار میردال در جمله معروف خود به چه چیزی تاکید دارد ؟
- ۵- علت توسعه نیافتگی کشورهای عقب مانده چیست ؟
- ۶- رشد در لغت به چه معناست ؟
- ۷- رشد اقتصادی به چه معناست ؟
- ۸- توسعه در لغت به چه معناست ؟
- ۹- تعریف زیر از توسعه اقتصادی از کیست " فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طولیل المدت افزایش می یابد " ؟
- ۱۰- تعریف زیر از کیست "دستیابی به مقداری از هدفهای نمایان مطلوب و نوسازی از قبیل ،افزایش بازدهی تولید ،ایجاد برابریهای اجتماعی و اقتصادی ، کسب دانش و فن و مهارتهای جدید ، بهبود در وضع نهادها به طور منطقی ، دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را بر طرف سازد"؟
- ۱۱- " توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به جلو" از کیست ؟
- ۱۲- " رشد اقتصادی به معنای تولید محصول بیشتر و توسعه اقتصادی هم تولید بیشتر و هم پدید آمدن تحول در چگونگی تولید محصول " از کیست؟
- ۱۳- این تعریف از رشد و توسعه اقتصادی از کدام اقتصاددانان است ؟
- " از گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن و توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نو آوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی "
- ۱۴- معیارهای اصلی اندازه گیری توسعه اقتصادی چیست ؟

۱۵- از معایب معیارهای اندازه گیری (تولید ناخالص ملی) در توسعه کدام است؟

۱۶- معایب کدام یک از معیارهای اصلی اندازه گیری توسعه کمتر است ؟

۱۷- تولید ملی از دید سطح قیمتها به چند قسمت تقسیم می شود نام ببرید؟

۱۸- تولید سرانه یعنی چه ؟

۱۹- تدریجی بودن از ویژگیهای کدام مفهوم اقتصادی است ؟

۲۰- ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی کدام است

۲۱- عدم وابستگی کشور در عوامل تولید کالاهای استراتژیک را چه می نامند؟

۲۲- رشد مدرن اقتصادی توسط چه کسی مطرح شد ؟

۲۳- در رشد مدرن اقتصادی و در تغییرات ساختار در این رشد توزیع محصول بین کدام عوامل باید تقسیم

شود؟

۲۴- مهمترین و اساسی ترین اختراع بشر که به رشد و توسعه بسیار کمک کرد کدام اختراع بود ؟

۲۵- دنیا گرایی حاصل چه چیزی است ؟

۲۶- مکتبی که به هر انسانی حق شرکت در جامعه انسانی را داده باشد کدام مکتب است ؟

۲۷- کدام کشورها در مطالعات کوزنتس نیامده است ؟

۲۸- مهمترین عامل در رشد مدرن اقتصادی کدام است ؟

۲۹- کدام مورد از ویژگیهای رشد مدرن اقتصادی نیست ؟

۳۰- رشد اقتصادی بلند مدت علیرغم نوسانات کوتاه مدت روندی افزایشی داشته باشد ، چه می گویند ؟

فصل دوم

ویژگی کشورهای در حال توسعه

۱- ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه

الف - پایین بودن سطح درآمد سرانه (پایین بودن سطح زندگی)

فقر عمومی و گسترده مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه است فقر در این کشورها یک پدیده مطلق است و سطح پایین زندگی ناشی از پایین بودن سطح درآمد سرانه در این کشورهاست علاوه بر آن توزیع نا عادلانه درآمد و عوامل دیگری مانند : جهل ، نادانی ، بی سوادى و تشدید کننده فقر می باشد.

ب - کمبود سرمایه و نرخ ناچیز تمرکز سرمایه

کمبود سرمایه از دیگر پیامدهای فقر در کشورهای در حال توسعه است در این کشورها تولید سنتی است و بهره وری نیروی کار کم است و درآمد نیز به تابع آن ناچیز است پس پس انداز بسیار کم است و سرمایه گذاری ناچیز از ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه می باشد

ج - وجود پدیده دوگانگی

ساختار اقتصادی در این کشورها از دو بخش مجزا تشکیل شده است یکی بسیار مدرن و یکی سنتی که ارتباط و پیوستگی لازم را با هم ندارند .

د - وابستگی اقتصادی

وابستگی در قالب تجارت خارجی عبارت است از :

۱- وابستگی به صادرات یک محصول : بخش عظیمی از درآمد کشورهای در حال توسعه از صادرات تک محصول است و وابستگی شدید به یک محصول اقتصاد این کشورها را شکننده می کند ((نوسان قیمت این محصول موجب تاثیر شدیدی در اقتصاد کشور میشود)).

۲- وابستگی به واردات : اکثر مواد مصرفی و خدماتی کشورهای در حال توسعه وارداتی می باشد .

۳- وابستگی به سرمایه خارجی : بدلیل نرخ ناچیز سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه به سرمایه گذار خارجی رو می آورند .

۴- نرخ بالای رشد جمعیت : بالا بودن نرخ زاد ولد در کشورهای در حال توسعه از مشخصات بارز آنهاست علت اصلی بسیاری از مشکلات کشورهای در حال توسعه نرخ بالای رشد جمعیت در این کشورها می باشد .

۵- نرخ بالای بیکاری : دلیل عمده بیکاری در این کشورها عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید بویژه نیروی کار است .

۶- بزرگ بودن بخش کشاورزی با بهره وری پایین : علت نا کارآمد بودن بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه عبارت است از :

۱- عدم استفاده صحیح از امکانات کشاورزی

۲- استفاده وسیع از ابزارهای ابتدایی و عدم استفاده از تکنولوژی برتر

۳- بکارگیری روشهای تولید غیر اقتصادی

۴- استفاده از شیوه های نادرست مالکیت ارضی

ویژگی دیگری که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد

۱- مهاجرت بی رویه و بی برنامه از روستا به شهر

۲- رشد غیر منطقی خدمات

۳- تورم شدید

۴- صنعتی شدن ناقص

۵- نبود زمینه برای رشد اندیشه های علمی و تکنولوژیکی

۶- کمبود زیر بناهای اقتصادی

۷- فرار مغزها

۸- سیاستهای غلط بین المللی

ویژگیهای غیر مشترک (یا خاص هر کشور) کشورهای در حال توسعه

۱- شرایط طبیعی ، جغرافیایی و جمعیتی : مساحت ، منابع ، ساختار جمعیتی می توانند بین کشورهای

در حال توسعه متفاوت باشند

۲- ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی وتاریخی: ساختار اقتصادی، سیاسی ، فرهنگی وتاریخی نیز بین

کشورهای در حال توسعه متفاوت است

نکات کلید فصل دوم

- ✓ مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه ← فقر عمومی و گسترده است
- ✓ علت پایین بودن سطح زندگی در کشورهای در حال توسعه ← پایین بودن سطح درآمد
- ✓ توزیع نابرابر درآمد در کشورهای در حال توسعه ← تشدید کننده فقر میباشد
- ✓ کمبود سرمایه از پیامدهای ← فقر در کشورهای در حال توسعه می باشد
- ✓ در کشورهای در حال توسعه شیوهای تولید سنتی ← تولید کم ← بازدهی نیروی کار کم ← پس انداز ناچیز ← سرمایه گذار کم
- ✓ به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان مهمترین عامل توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه است
- ✓ پدیده دو گانی در کشورهای در حال توسعه یعنی دو بخش مدرن و سنتی که مکمل همدیگر نیستند

✓ سه نوع وابستگی در غالب تجارت :

- ۱- وابستگی صادرات
 - ۲- وابستگی واردات
 - ۳- وابستگی سرمایه
- ✓ افزایش جمعیت ← کاهش درآمد سرانه ← تشدید فقر

✓ عوامل به وجود آمدن بیکاری در کشورهای در حال توسعه عبارتند از :

- ۱- عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید بویژه نیروی کار
- ۲- نرخ بالای رشد جمعیت
- ۳- پدیده شهر نشینی

۴- سیاستهای غلط اقتصادی دولت

✓ عمده ترین دلیل و مهمترین دلیل برای بیکاری دلیل شماره یک است

✓ بزرگترین بخش در کشورهای در حال توسعه بخش کشاورزی است

✓ کشورهای در حال توسعه به سه گروه تقسیم می شود

۱- کشورهای بسیار فقر و دارای کمترین توسعه مثل چاد

۲- کشورهای با توسعه یافتگی بیشتر از کشورهای گروه اول مثل هند

۳- کشورهای نفت خیز با درآمد بالا ولی از نظر توسعه یافتگی از گروه دوم کمتر مانند ایران

سوالات فصل دوم

- ۱- مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه کدام است ؟
- ۲- کدام مورد تشدید کننده فقر در کشورهای در حال توسعه می باشد ؟
- ۳- به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان مهمترین عامل عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه کدام است ؟
- ۴- پدیده دوگانگی بیشتر در کدام کشورهای به چشم می خورد ؟
- ۵- ساختار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به چند بخش متمایز می گردد توضیح دهید ؟
- ۶- در کشورهای در حال توسعه بخشهای اقتصادی چه روابطی با هم دارند ؟
- ۷- علت اصلی دوگانگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه چیست ؟
- ۸- وابستگی اقتصادی در غالب تجارت بین الملل چند نوع است ؟
- ۹- به چه دلیل کشورهای در حال توسعه در برابر نوسانات قیمت آسیب پذیرند ؟
- ۱۰- ایران به چه چیزی وابستگی شدید دارد ؟
- ۱۱- دلیل عدم بهبود وضع زندگی با افزایش تولید و درآمد در کشورهای در حال توسعه چیست ؟
- ۱۲- دلیل عمده نرخ بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه چیست ؟
- ۱۳- کدام مورد از عوامل ایجاد کننده نرخ بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه نیست ؟
- ۱۴- بزرگترین بخش اقتصاد در کشورهای در حال توسعه کدام است ؟
- ۱۵- علت ناکارایی بخش کشاورزی در جوامع صنعتی کدام مورد نیست ؟
- ۱۶- ویژگی غیر مشترک در کشورهای در حال توسعه کدام است ؟

فصل سوم

جریان تاریخی توسعه

در بررسی جریان تاریخی توسعه برخی از کشورها و عدم توسعه برخی دیگر دو دیدگاه وجود دارد :

۱- دیدگاه اول :

در این دیدگاه نظریه پردازان سه مرحله را مشخص می کنند که این مراحل پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته و صنعتی و همچنین در پیدایش و گسترش توسعه نیافتگی کشورهای فقیر و عقب مانده نقش ایفا کرده اند .

این سه مرحله که در فرآیند تاریخی توسعه کشورها را به دو گروه تقسیم میکند عبارت است از :

الف - مرحله تجمع یا تراکم اولیه سرمایه :

از قرن ۱۴ آغاز و تا اواخر ۱۸ ادامه داشت کشورهای که امکانات نظامی داشتند و ناوگان دریایی داشتند با تسلط نظامی به کشورهای ضعیف و غارت ثروت و چپاول آنها ثروت و سرمایه را از کشورهای ضعیف به کشورهای خود آوردند و از یک طرف فقر و بدبختی کشورهای مستعمره اضافه تر و ثروت و سرمایه کشورهای استعمار کننده زیاد شد .

ب - مرحله صدور کالا :

بعد از واقعه انقلاب صنعتی تحول عظیمی در روشهای تولید به وجود آمد . تولید به شکلی انبوه انجام شد و هزینه های تولید کاهش یافت بلوک توسعه یافته با صدور کالا ، صنعت در کشورهای عقب مانده را پیش از پیش از بین بردند و باز ثروت به سمت بلوک غرب و فقر گریبان گیر کشورهای عقب مانده شد و تا تاریخ ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول ادامه داشت .

ج - مرحله صدور سرمایه :

از بعد از جنگ جهانی اول شروع و علت آن تراکم زیاد سرمایه در کشورهای توسعه یافته و آمدن تکنولوژیهای جدید و گران شئن دستمزد کارگران ، فرار از مالیات ، دستیابی سریع به منابع اولیه ، کسب

مازاد سود اقتصادی بیشتر با ثروت به کشورهای توسعه یافته سرازیر و عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته بیشتر شد .

دیدگاه دوم :

گروهی از نظریه پردازان بر این عقیده هستند که انقلاب صنعتی باعث پیشرفت کشورهای توسعه یافته است (انقلاب صنعتی ۱۷۶۰ با اختراع ماشین بخار آغاز شد)

• انقلاب صنعتی دو ویژگی مهم داشت :

- ۱- انقلاب صنعتی موجب شد تا جوامع کشاورزی به صنعتی تبدیل شوند
- ۲- چون این انقلاب بر پایه علم شکل گرفت و تا به امروز دوام داشته است . عوامل مختلفی که در موقع انقلاب صنعتی نقش داشتند عبارتند از :
 - ۱- **انقلاب کشاورزی** : تغییر در شیوه تولید کشاورزی یا به طور دقیق تر انقلاب کشاورزی از عوامل مهم شکل دهنده انقلاب صنعتی بود
 - ۲- **پیشرفتهای علمی فرهنگی و اجتماعی** : از دیگر عوامل بوجود آورنده انقلاب صنعتی پیشرفت علوم در اروپا پس از قرون وسطی است . تا عصر شانزدهم را عصر انسانی گویند .
 - ۳- **عوامل فنی** : پیشرفتهای فنی و اختراعات ماشین آلات فراوان در اروپا و در قرن هیجدهم از عوامل مهم شکل گیری انقلاب صنعتی بود .

نکات مهم و کلیدی فصل سوم

- ✓ جریان توسعه به لحاظ تاریخی به طور همزمان در سراسر جهان آغاز شد.
- ✓ دو دیدگاه به لحاظ تاریخی وجود دارد که علت توسعه یافتگی کشورهای توسعه یافته و عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را بیان می کند .
- ✓ دیدگاه اول (دیدگاه مرحله ای) طی گذشت سه مرحله کشورهای توسعه یافته از کشورهای در حال توسعه جدا شدند .

✓ سه مرحله عبارتند از :

۱- تراکم سرمایه

۲- صدور کالا

۳- صدور سرمایه

✓ انقلاب صنعتی با فراهم شدن شرایط در مرحله اول به وقوع پیوست

✓ انقلاب صنعتی موجب بزرگترین تغییرات در تاریخ تمدن بشری شد .

مراحل دیدگاه اول	شروع	خاتمه
مرحله اول	قرن ۱۶	قرن ۱۸ انقلاب صنعتی
مرحله دوم	قرن ۱۸ بعد از انقلاب صنعتی	۱۹۱۴ قبل از جنگ جهانی اول
مرحله سوم	بعد از جنگ جهانی اول	تا کنون

✓ صدور سرمایه فقط مختص صنایع قدیمی و غیر استراتژیک است

✓ ویژگی های انقلاب صنعتی که در قرن ۱۸ در انگلیس به وقوع پیوست :

۱- کشاورزی ← انقلاب صنعتی

۲- بر پایه علوم ← تا امروز تداوم دارد.

✓ مهمترین عوامل بوجود آمدن انقلاب صنعتی

۱- انقلاب کشاورزی (قرن ۱۸ ، انگلیس)

۲- پیشرفتهای علمی ، فرهنگی و اجتماعی

۳- عوامل فنی

✓ بعد از قرون وسطی تا قرن ۱۶ (عصر رنسانس)

✓ بیشترین اختراعات توسط صنعت گران و پیشه وران عادی انجام شد (در طول انقلاب صنعتی)

سوالات فصل سوم

- ۱- چند دیدگاه در روند توسعه تاریخی وجود دارد ؟
- ۲- دیدگاه اول شامل چند مرحله است ؟
- ۳- برای دیدگاه اول چه مرحله ای باعث پیدایش دو گروه از کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته شده است ؟
- ۴- مرحله تجمع سرمایه یا تراکم سرمایه از چه قرنی شروع شد ؟
- ۵- شرایط برای وقوع انقلاب صنعتی در کدام مرحله فراهم شد ؟
- ۶- مرحله صدور کالا تا چه مرحله ای ادامه داشت ؟
- ۷- علت صدور سرمایه چه بود ؟
- ۸- در مرحله صدور سرمایه چه صنایعی صادر می شود ؟
- ۱۰- انقلاب صنعتی در چه سالی و در کجا به وقوع پیوست ؟
- ۱۱- بزرگترین تغییر در تاریخ تمدن حاصل چیست ؟
- ۱۲- ویژگی مهم انقلاب صنعتی کدام است ؟
- ۱۳- از عوامل بوجود آورنده انقلاب صنعتی چیست
- ۱۴- انقلاب صنعتی در چه موقعی و در کجا به وجود آمد ؟
- ۱۵- از بعد از قرون وسطی تا قرن شانزدهم را چه می نامند ؟
- ۱۶- بیشترین اختراعات در موقع انقلاب صنعتی توسط چه قشری انجام شد ؟